

جلالی صلاح یافت

جناب محترم دکتور صلاح الدین سعیدی طی مضمونی تلاش نموده اند تا، باوجود آنکه به گفته خود ایشان مصروفیت های فراوان دارند، مقاله اینجانب را که تحت عنوان **جلالی تمثالی از الیناسیون** از طریق بعضی از سایت های انترنتی انتشار یافته بود، نقد نمایند.

نخست از همه میخواهم از توجه ای که ایشان به نوشته این قلم نموده اند اظهار سپاس نموده، به هموطنان خویش از آغاز درک آزادی بیان و نقد نویسی در کشور عزیز ما افغانستان که تحت این نام تا کنون - اکثراً در مسایل جانبداری و یا مخالفت با شخصیت های حقیقی و حکمی، بخصوص در عرصه سیاست - به دشنام نامه ها توسل و عفت قلم نادیده گرفته میشد، تهنیت عرض نمایم؛ زیرا جناب سعیدی، باوجود محبتی که به آقای جلالی دارند، عفت کلام را نگهداشته اند که بنده از ایشان متشکرم.

نخست از همه میخواهم به جناب دکتور سعیدی اطمینان دهم آنچه را که من تحت عنوان **جلالی تمثالی از الیناسیون** نوشته ام ناشی از نفرت و خصومت نسبت به شخص و یا گروهی مشخصی از اشخاص نه؛ بلکه از انتهای محبت نسبت به ملت است که تاریخش را با خون نوشته و بیش از سه دهه بخاطر آزادی و حفظ وقار ملی و تاریخی خویش جوانانش را به استقبال شهادت فرستاده است.

دوم اینکه از عدم موجودیت کلمه **الیناسیون** در آنهمه قاموسهای که نوشته اید تعجب کردم. به هر ترتیب الیناسیون در لغت به مفهوم جن زده گی آمده و مقصد از آن حلول کسی و یا چیزی در وجود فرد است که در نتیجه شخص مذکور هویت حقیقی خویش را از دست داده و آن کس و یا شیء را عین خود احساس نموده و از همان آدرس سخن میگوید.

الیناسیون در ابتدا مفهوم حقوقی داشت که بعد ها توسط فیلسوف مشهور آلمانی بنام هگل، با تفریق میان آزادی داشتن و آگاهی داشتن از آزادی وارد فلسفه اروپائی شد و بعد ها کارل مارکس آنرا شامل مباحث جامعه شناسی نمود. ولی در هر صورت الیناسیون به مفهوم بیگانگی از خود و حضور چیزی دیگری در وجود شخص بجای اوست. جناب محترم سعیدی انتقاد شما را در مورد ننوشتن مرادف فارسی کلمه الیناسیون پذیرفتم؛ مگر باید گفت که نوشتن مرادف فارسی مفهوم لغوی این کلمه توانائی تفهیم مقصدی را که این کلمه در ساحه فلسفی و جامعه شناسی ارائه مینماید به خواننده ندارد. نوشتن مرادف فارسی مفهوم لغوی آن بیشتر از کلمه **فکتور** و بخصوص **انتگریشن** که شما از آوردن مرادف فارسی مفهوم لغوی آنها ابا ورزیده اید، ذهن خواننده را آزار خواهد داد.

سوم اینکه تعجیل در خوانش و نقد و یا هم ابراز نظر، بخصوص در مسایل سرنوشت ساز نه تنها حلال مشکلی نمیشود؛ بلکه به مشکلات افزوده و خواننده را در ابهام قرار میدهد.

طوریکه ملاحظه میگردد شما در قسمت اخیر اکثر نوشته های خویش از عدم مرور دوباره غرض تصحیحات لازم به خواننده عذر میآوردید. از این مساله میتوان دوگونه استنباط کرد: یکی اینکه اصلاً به موضوعیکه مینویسید و یا هم خواننده آن اهمیت قابل نمیشود و دوم اینکه شاید خود را از همه داناتر و عاقلتر میدانید که یقین دارم هر دو حالت در مورد شما منحصراً دکتور علوم سیاسی ای که تحقیقات در مرکز مطالعات استراتژیک یک مملکت را عهده دار است صدق مینماید.

صرفنظر از نوشته اینجانب به عنوان مبتدی دبستان سیاست، زمانیکه برای رئیس جمهور کشوری نامه ای نوشته و راه های حلی را برای برون رفت از مشکلات موجود پیشنهاد مینمائید، اجازه دهید از شما تقاضا نمایم تا حد اقل یکبار آنرا مرور نمایند، اگر وقت کافی برای مرور دوباره آن ندارید، اصلاً ضرور نیست سر خویش به همچو مسایل به درد آورید.

چهارم اینکه هرگاه خواننده محترم تفاوت میان مارکسیسم - لینینیسم را با مارکسیسم که در اتخاذ سیاست راه رشد غیر سرمایه داری توسط لینین نهفته است بداند، فرق میان کشور های بلاک سوسیالیستی و کمونیستی را با کمونیسمی که مارکس و انگلس معرفی میدارند نیز دانسته و این جمله مرا که شریعتی نیز **همچون متفکرین ایدئولوژی کمونیسم به این امر معتقد است که به تغییر انسان از طریق درونش میتوان نایل آمد** مورد بحث نمیدانست.

پنجم و آخر هم در ارتباط با شخص آقای جلالی :
این قلم در نوشته خویشتن تحت عنوان جلالی تمثالی از الیناسیون خود به مشکل ترجمه اشاره نموده ام که بدون شک مشکل پیچیدن به فروع را از قبل مرفوع نموده بودم. بناءً پرداختن مجدد به آن و در نهایت چسپیدن به آن به عنوان یگانه ادله نمیتواند قناعت خواننده را فراهم نماید. آنهم زمانیکه هیچ اسمی از مترجم برده نشده و صرف اسم نگارنده متن انگلیسی نوشته شده باشد.

شما فرموده اید که خارجی ها برای حفظ منافع خویشتن به افغانستان آمده اند و این کدام سر و امر مخفی نیست، باید به منفعت متقابل توجه کرد.

اینجانب قبل از نصایح شما در مضمونی تحت عنوان چگونگی تشخیص بهترین کاندید پیرامون اثر پذیری اعضای جامعه بین المللی از شرایط موجود در یکی از آنها نوشته و بر اهمیت منافع متقابل تاکید نموده بودم. مفیدیت متقابلی که هیچگاهی در حضور همچو جلالی ها در راس قدرت متصور نخواهد بود.
اگر دو شریکی شرکت تجاری ابرا افتتاح و یکی از شرکا پسر و یا یکی از اقارب خویشتن را به عنوان نماینده شریک خویشتن در معاملات پیشنهاد نماید، آیا شریکش خواهد پذیرفت؟ آیا میتوان در چنین حالات از منفعت متقابل صحبت کرد؟

قرار گرفتن آقای جلالی در پست ریاست جمهوری افغانستان نیز به همان مفهوم پذیرفتن پسر شریک و یا رقیب معاملاتی به عنوان نماینده خویشتن است که هیچ نوع منفعت متقابل را نمیتوان از آن انتظار داشت.
شما بخاطر توجیه سخنان آقای جلالی نوشته اید که در صحبت نمیشود از موضع گویا دشمنی صحبت کرد، زیرا، به فرموده شما در صورت همچو برخورد اولاً به نشر نمیرسد و دوم اینکه رسالت خویشتن را نوشته دشمنانه اداء نمیکند.

آیا گفتن اینکه سیاست امریکا و متحدین آن در کشور ما افغانستان ناکام است به جای این گفته که ما در آستانه ی ناکامی در افغانستان هستیم، موضعگیری دشمنانه تلقی میشود؟ چنین تصور نیز بخشی از الیناسیون نیست که توضیح آن ایجاب گشایش صفحه ۱۶۰۱ لغتنامه شما را مینماید.

جناب جلالی در هنگامیکه در راس وزارت داخله قرار داشتند نتوانستند به اهداف خویشتن از طریق قناعت شخص رئیس جمهور نزدیکتر شوند، چگونه خواهند توانست منافع جامعه بین المللی، بخصوص کشور های ذیدخل در قضایای افغانستان را در نظر گرفته به نتایج متقابلاً مفید دست یافت؟
حقیقت این است که آقای جلالی فقط به قدرت میاندیشد و قدرت را یگانه وسیله دستیابی به اهداف میداند.
او که با وجود تقاضاهای مکرر هواداران افغانی اش چراغ سبز آقای خلیلزاد جرئت ورود به افغانستان را نداشت، بر علاوه آنکه از آدرس یک تبعه امریکائی صحبت میکند، باتوجه به مسلک نظامی اش، فرد فوق العاده دیکتاتوری نیز خواهد بود که پیشتر و بیشتر از هر چیز در صدد ارضای عقده های دوران وزارت امور داخله اش خواهد شد.

پایان